

نفوذ گفتمانی ایالات متحده آمریکا در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه- های مقام معظم رهبری

ابوذر گوهری مقدم*
حامد کیانی مجاهد**

چکیده

در سپهر سیاست بین الملل دوران حاضر که متکی بر کارکرد قدرت نرم و هوشمند است، قدرت‌های هژمونیک بین‌المللی سیاست‌های کارآمدی در حوزه نفوذ گذاری جدید اتخاذ کرده‌اند که موفقیت آن‌ها در گرو کسب توفیق در تغییر خط‌مشی حاکم بر حکومت‌های غیر وابسته و استحاله‌ی بنیان‌های فکری آن‌ها می‌باشد و تجلی‌گاه بنیادین آن ذیل فرایند نفوذ، به ویژه نفوذ سیاسی - اجتماعی ارزیابی می‌شود. در میان ساحات گوناگون مرتبط با نفوذ، استفاده هدفمند از دیپلماسی عمومی در راستای دستیابی به نفوذ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی واجد اهمیت بسزایی است. با عنایت به این مهم، مقاله حاضر می‌کوشد در سپهر اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، از مجرای تبیین دیپلماسی عمومی و اعمال نفوذ میان واحدی، نشان دهد که نفوذ گفتمانی چگونه توسط دیپلماسی عمومی ایالات متحده و ذیل برنامه‌هایی نظیر فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، برنامه‌های پخش رادیو و تلویزیونی بین المللی و اینترنتی، بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، برنامه آموزش زبان انگلیسی و بهره‌گیری از صنعت فیلم‌سازی هالیوود، طراحی و پیاده‌سازی می‌شوند. نگاشته حاضر، در راستای اثبات این فرضیه که: «دیپلماسی عمومی یکی از مهم‌ترین

gohari@isu.ac.ir

*. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)

h.kiany@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۴

راهبردها و ابزارهای پیاده‌سازی نفوذ گفتمانی ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد»، با اتخاذ شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد.

واژگان کلیدی

نفوذ، آمریکا، دیپلماسی عمومی، نفوذ گفتمانی، جمهوری اسلامی

مقدمه

در دنیای نوین استفاده از راهکارها و ابزارهای متناسب با اقتضات فضای بین‌المللی، لازمی حضور موفق و کارآمد در میدان معادلات پیچیده‌ی موجود در روابط میان بازیگران جهانی است. راهکارهایی که همراه با تحولات نظام بین‌الملل دستخوش تغییر شده و با گذر زمان و روشمندتر شدن تعاملات میان واحدهای ملی و فراملی، جلوه‌های پیچیده‌تری از خود را به نمایش گذارده است. یکی از این ابزارها که به ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر به طور اساسی در کانون توجهات سیاست بین‌الملل قرار گرفته و سیاست‌های نفوذ محور قدرت‌های جهانی را در کنار دیپلماسی متعارف راهبری می‌کند، حوزه دیپلماسی عمومی است.

نفوذ گذاری که دیپلماسی عمومی یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن تلقی می‌شود، ابعاد مختلفی دارد. مهم‌ترین ابعاد آن، نفوذ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که ارکان و مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ، سبک زندگی، آرمان‌ها و ساختار سیاسی یک قوم و ملت را مورد توجه قرار می‌دهد و درصدد تغییر یا استحاله‌ی آن می‌باشد. چگونگی اعمال این نفوذ در بستری طراحی می‌شود که نشأت گرفته از دو ساحت دیپلماسی متعارف و دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی متعارف، ارتباطات بین‌المللی واحدهای سیاسی دخیل در بازی روابط بین‌الملل است که بر مبنای قواعد و استراتژی‌های روابط بین‌الملل به تعامل و یا تقابل هدفمند با یکدیگر می‌پردازند تا بازیگران دیگر را در حد توان متقاعد به انجام کاری کنند که خود می‌خواهند، اما دیپلماسی عمومی آن نوعی از دیپلماسی است که با استفاده از قدرت نرم و هوشمند، سعی در اثرگذاری و نفوذ همه جانبه بر جامعه نخبگان و عامه‌ی مردم مخاطب خود بر مبنای منافع تعریف شده دارد و به این خاطر از جایگاه مهمی در روابط بین‌الملل برخوردار است و به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ گذاری ارزیابی می‌شوند. بر این مبناء، مقاله حاضر به دنبال بررسی جایگاه دیپلماسی عمومی در فرایند نفوذ گفتمانی قدرت‌های جهانی است و در این حوزه به مطالعه موردی دیپلماسی عمومی ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی

ایران می‌پردازد تا از طریق تبیین برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا ناظر به نفوذ گفتمانی، نقش آن را بر پروژة نفوذ در جمهوری اسلامی ایران نشان دهد. این تبیین و مجموعه‌ی دیگر تبیین‌ها و تحلیل‌های این نگاشته، در سپهر اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، با اتخاذ شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در راستای اثبات فرضیه مقاله، ارائه خواهد شد. فرضیه‌ای که در این مقاله به عنوان اثبات آن هستیم عبارت است از: «دیپلماسی عمومی یکی از مهم‌ترین راهبردها و ابزارهای پیاده‌سازی نفوذ گفتمانی ایالات متحده در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد» و سوال اصلی این نگاشته نیز عبارت است از: «گونه شناسی نفوذ در دیپلماسی عمومی به ویژه دیپلماسی عمومی ایالات متحده چیست و این کشور با بهره‌گیری از چه برنامه‌هایی نفوذ گفتمانی را نسبت به ایران اسلامی پیاده‌سازی می‌کند؟». در این راستا، ضمن تشریح دیپلماسی عمومی، به بررسی اعمال نفوذ میان واحدهای سیاسی (دولت - دولت و دولت - ملت) و گونه شناسی نفوذ (نفوذ قهری، نهادی، ساختاری و گفتمانی) خواهیم پرداخت و از این مجرا، برنامه‌های دیپلماسی عمومی ایالات متحده را از حیث نفوذ شناسی گفتمانی نسبت به ایران اسلامی مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۱ - تعریف مفاهیم

تعریف مفاهیم کلیدی و بنیادین هر مقاله، نخستین گام اساسی در تشریح بهتر فرایند و نتایج آن مقاله است، بر این مبنا، تعریف سه مفهوم اصلی دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و اعمال نفوذ را ارائه می‌شود.

۱-۱ - دیپلماسی

دیپلماسی عمومی چهره نوین دیپلماسی سنتی است و در معنای چندلایه‌ی آن نشان‌دهنده تدوین و اجرای سیاست خارجی و روش‌های آن، مذاکرات بین‌المللی و فعالیت‌های حرفه‌ای است که توسط دیپلمات‌ها پیاده می‌شود. (Nicolson, 1988/1939: 3-5). دیپلماسی می‌تواند به مثابه یک روش اصلی باشد که با آن سیاست خارجی فهم و به صورت متعارف ضمن ارتباطات در فضای بین‌المللی تعریف می‌شود و همچنین مسئول مدیریت روابط میان کشورها با یکدیگر و با دیگر بازیگران غیردولتی از مجرای همیاری با ارائه توصیه و طراحی و اجرای سیاست خارجی و تضمین تحقق منافع خاص و گسترده است. در نگاه «اولسون» نیز سیاست خارجی یک فرمول و یک جهت است و

دیپلماسی که روغن ماشین سیاست خارجی است، مجرای ارتباطات و فهم آن می‌باشد (Olson, 1991, p 60).

۱-۲- دیپلماسی عمومی

با تبیین دو تعریف رایج از دیپلماسی عمومی که توسط «سینیتزر» و «کومبز» ارائه شده، می‌توان مفهوم دیپلماسی عمومی را بهتر فهم کرد: «دیپلماسی عمومی راهی است که دولت‌ها و بازیگران خصوصی و گروه‌ها چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم می‌توانند بر عقاید، افکار و حالات مخاطب خود تأثیر بگذارند که این اعمال نفوذ بر فرایند تولید سیاست خارجی دیگر دولت‌ها اثر خود را خواهد گذارد». به عقیده آن‌ها، دیپلماسی عمومی به نسبت فعالیت‌های دیپلماسی سنتی، خود را دامنه‌دارتر کرده است. این دامنه، در حوزه سیاست کلان، با موضوعات و جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره و در سطح سیاست خرد، با فضای حکومت‌ها و دیپلمات‌هایی که با بازیگران جدید، گروه‌های هدف، اشخاص گوناگون و مؤسسات بین‌المللی که به فضای جهانی و فعالیت‌های ارتباطی میان فرهنگی پیوسته‌اند و بر روابط میان دولت‌ها اثر می‌گذارند، سروکار دارد. به طور مشابه، «منهایم» به این نتیجه می‌رسد که رسالت دیپلماسی عمومی توضیح سیاست‌های دولت و نمایندگی از طرف یک ملت در برابر عموم ملت‌های دیگر است. او استراتژی دیپلماسی عمومی را مجرای از سوی دولت به طرف مردم می‌داند. در نظر او، فعالیت‌های دیپلماسی ملت محور، تلاش‌های یک دولت برای نفوذ در عقاید عوام و نخبگان کشوری دیگر به منظور وصول به اهداف سیاست خارجی کشور اعمال کننده است. همچنین بر اساس یکی از تعریف‌ها دیپلماسی عمومی به عنوان عملیات روانی تلقی شده که در واقع ابزاری برای نفوذ در دیگران است که موجب تقویت نفوذ یک کشور در میان مردم کشور دیگر می‌شود (Rharles Rosen, 2014, p 15).

واقعیت این است که دیپلماسی عمومی بایست خود را از دیپلماسی سنتی که عهده‌دار مجموعه‌ی میان‌کنش‌ها با دولت‌ها و به ویژه با اشخاص غیردولتی و سازمان‌ها می‌شد، متمایز کند. همان‌گونه که «تاج» بیان داشته، فرایند دیپلماسی عمومی مستلزم فرایند ارتباطات باز است که برخلاف دیپلماسی سنتی که پنهان کاری و انحصار خصیصه آن بود، در اصل بر تبلیغات و ارتباط مستقیم با عامه‌ی مردم استوار است. «گیلبا» نیز دیپلماسی عمومی را فرایندی توصیف می‌کند که در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی، آموزش و فرهنگ با هدف نفوذ بر دولت‌های خارجی از طریق تأثیرگذاری بر شهروندان آن کشورها، فعالیت می‌کند (Gilboa, 2001, p1). بسیاری از نویسندگان این حوزه، به اثرات مطلوب فعالیت‌های گوناگون از طریق دیپلماسی عمومی اذعان دارند. فعالیت‌هایی که موجب می‌شود

پیام توسط مخاطب شنیده، فهمیده و پذیرفته شود و با تصویر مثبتی که از پیام و صاحب آن در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند، پیاده‌سازی فرایند نفوذ را تسهیل نماید. درنهایت می‌توان به تعریف آژانس اطلاعات آمریکا اشاره کرد که دیپلماسی را تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفتگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور و همتایان خارجی آنان تعریف می‌کند (آشنا، ۱۳۸۴، ۱۷). مؤلفه بنیادین در دیپلماسی عمومی، توجه به اهداف جامعه هدف به همان میزانی است که ارسال پیام موردتوجه قرار می‌گیرد. در نگاه به تکنیک‌های دیپلماسی عمومی، می‌بایست نسبت به رویکردها، جهت‌گیری‌ها و ابزارهای استخدامی مخاطبان دقت شایانی به خرج داده و ابزارهای مورد استفاده، متناسب با آن‌ها قرار داده می‌شود تا حداکثر میزان تأثیرگذاری و نفوذ واقع گردد. این ابزارها عبارت‌اند از: مبادلات فرهنگی و آموزشی، سمینارها و کنفرانس‌ها، نمایش‌های دیپلماتیک، تبلیغات، حمایت‌های بین‌المللی، سخنرانی‌ها و مدیریت رسانه‌ها.

۳-۱- نفوذ

واژه نفوذ (Influence) در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند (webster, 2003, p 641) و اصطلاحاً عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶، ۱۴۲). در واقع نفوذ، شکلی از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. در تعریف، از نفوذ به عنوان سازوکاری برای اثرگذاری بر دیگران استفاده شده است. اگر شخصی بتواند دیگری را متقاعد کند که عقیده‌اش را درباره یک یا چند موضوع تغییر دهد، رفتاری را انجام دهد و یا از انجام آن خودداری کند و به محیط پیرامون خود، به شکلی خاص بنگرد، در حقیقت نفوذ، تحقق یافته و قدرت، به کار گرفته شده است. در واقع، اعمال نفوذ از مجرای تعاملات میان واحدهای انسانی شکل می‌گیرد. هدف‌گذاری‌ها و سمت‌گیری‌های میان واحدها در عرصه دیپلماتیک، نمودار تصورات موجود در اذهان سیاست‌گذاران، نوع جهان‌بینی‌های ایشان نسبت به جهان خارج و تصمیم‌ها و آرزوهای آنان است. افزون بر این، «اعمال» بخش عملیاتی سیاست را تشکیل می‌دهد، یعنی اقداماتی که حکومت‌ها برای عملی ساختن برخی سمت‌گیری‌ها، اجرای نقش‌ها، یا دستیابی به هدف‌ها و دفاع از آن‌ها در برابر دیگران انجام می‌دهند. هر عمل اساساً نوعی برقراری ارتباط است، به قصد تغییر یا تثبیت رفتار کسانی که حکومت انجام دهنده آن عمل برای دستیابی به هدف‌هایش

به آن وابسته می‌باشد. در واقع، فرایند سیاست بین الملل هنگامی آغاز می‌شود که یک دولت می‌کوشد با اعمال و علامت‌های گوناگون، رفتار دیگر دولت‌ها را تغییر دهد (هالستی، ۱۳۷۳، ۲۵۶ - ۲۵۳).

بسیاری از نویسندگان عصر حاضر و پژوهشگرانی که به واکاوی مفاهیم هم‌عرض قدرت می‌پردازند، ابتدایی‌ترین واژه‌ای را که جهت قیاس یا تفکیک معنی با قدرت پذیرفته‌اند، مفاهیم، نفوذ، اقتدار و سلطه است. قدرت در معنای موجد حرکت آنگاه که فضای مابین «الف» و «ب»، به عنوان دو موجد محرک با رفتار معطوف به عقل و اراده در حالتی پر کند که «الف» بر «ب» قدرت وارد کند و از طریق استفاده از رفتار معطوف به قدرت، افکار و اعمال «ب» را متأثر و یا نهایتاً کنترل نماید، نام نفوذ به خود می‌گیرد (مطهر نیا، ۱۳۷۸، ۱۲۱). به عبارت دیگر در مقام بیان ارتباط «الف» و «ب» به شکل مذکور، باید گفت: قدرت نافذ «الف» بر «ب» اطلاق می‌گردد. پالمر معتقد است: «قدرت و نفوذ هر دو یک چیزند، ظاهراً در طرز تلقی و یا رفتار یک نفر بازیگر، به عنوان نتیجه‌ای از کنش متقابل با بازیگر دیگر ...» و بلافاصله می‌افزاید «تفاوت این دو این است که قدرت بیانگر بیشتری از همان است» (پالمر، ۱۳۶۷: ۳۶). ویلیام رایکر نیز در این باره می‌نویسد: «توان محدود کردن نتایج اساسی نفوذ یا قدرت است» (Riker, 1954, p 342). گروهی دیگر از اندیشمندان قدرت را وسیله اعمال نفوذ یا فرایند اجرا نفوذ می‌دانند. بر این مبنا، قدرت و نفوذ در ماهیت و جوهره یکی هستند، به عبارتی قدرت و نفوذ به‌سان ارتباط قدرت با دیگر مفاهیم مطروحه رابطه عموم و خصوص من وجه می‌باشد. یعنی، تمام نفوذها، قدرت هستند. بعضی قدرت‌ها، نفوذ هستند و بعضی قدرت‌ها نفوذ نیستند.

۲- چارچوب نظری: گونه‌شناسی نفوذ

تبیین فرایند ارتباطی میان گونه‌شناسی نفوذ و راهبردهای دیپلماسی عمومی اتخاذی توسط قدرت‌ها، لزوم ارائه مدل مفهومی مشتمل بر منظومه تناظر و ارتباطات میان اجزای بحث را به دست می‌دهد، بنابر این در این بخش چارچوب مفهومی بحث را ارائه داده و در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم. در ادبیات عمومی روابط بین الملل و علم سیاست، اثرگذاری یک بازیگر بر بازیگر یا بازیگران دیگر تحت مفهوم قدرت و نیز اشکال مرتبط با آن، تعریف می‌گردد. «نفوذ» خود به عنوان مفهومی مرتبط با قدرت و اعمال آن در روابط بین الملل مسئله‌ای قابل تأمل و دارای سابقه طولانی است و تمامی اشکال قدرت از سخت افزاری تا هوشمند را در خود جای می‌دهد. هرچند خود مفهوم قدرت ذوابعاد

بوده و اجماعی پیرامون ابعاد و تعاریف آن وجود ندارد اما مجموعه توانایی‌های یک دولت که به شکل بالفعل و بالقوه در جهت اثرگذاری بر رفتار سایر بازیگران اعمال می‌شود وجه اشتراک اکثر تعاریف از این مفهوم است. قدرت دارای ابعاد و مؤلفه‌های متعددی است که در راستای تحقق هدف بازیگر به کار گرفته می‌شود. اعمال قدرت گاهی به صورت مستقیم و با ابزارهای سنتی و فیزیکی محقق می‌گردد و در مواقعی از طریق تأثیرگذاری غیرمستقیم بر تصمیمات بازیگران و شکل‌دهی مرجحات آن‌ها در راستای اهداف خود و در مواردی نیز به شکل ترکیبی از این دو امکان‌پذیر است. در یک نگاه کلان می‌توان چهار نوع نفوذ را به شرح ذیل شناسایی نمود:

۱-۲- نفوذ اجبارآمیز و قهری (Compulsory)

منظور از نفوذ اجبارآمیز و قهری نفوذ یک بازیگر بر رفتار بازیگر دیگر و تعیین و تغییر رفتار آن در جهت منافع خود است. این نفوذ با مفهوم سنتی قدرت اشتراکات فراوان داشته و می‌توان از آن به «قدرت محض» یاد نمود. آنچه رابرت دال در تعریف قدرت به عنوان «وادار کردن یک بازیگر به انجام اقدامی که در صورت عدم وجود، آن اقدام را انجام نمی‌داد» (Dahl, 1957, p 202) به نفوذ اجبارآمیز قربت زیادی دارد. البته در این نفوذ باید توجه کرد که اقدام موردنظر باید برخلاف اراده بازیگر مقابل بوده و تضاد منافع در آن مشهود باشد و بازیگر (الف) منابع لازم و قصد لازم برای تغییر یا شکل‌دهی رفتار بازیگر (ب) را داشته باشد. به عبارت روشن‌تر نفوذ اجبارآمیز زمانی رخ می‌دهد که رفتار بازیگر (ب) تحت تأثیر اقدام و رفتار بازیگر (الف) تغییر کند و این تغییر رفتار، ناشی از ابزارها و اهرم‌های مشخص در اختیار بازیگر (الف) صورت پذیرد. نکته قابل توجه آنکه در این نوع نفوذ، اهرم‌ها و ابزارها لزوماً مادی نیستند و گاهی هنجارها و قواعد غیرمادی و بعضاً ناملموس می‌تواند ابزار نفوذ یک بازیگر نسبت به بازیگر دیگر باشد. به عنوان مثال فشارهای بیرونی هنجاری یک بازیگر جهت شکل‌دهی به رفتار بازیگر دیگر، نوعی نفوذ اجبارآمیز تلقی می‌شود. به عنوان مثال فشارهای آمریکا بر عراق جهت رعایت و اعمال برخی قواعد هنجاری غربی حقوق بشری مثال بارزی از این نوع نفوذ محسوب می‌شود و یا اعمال قوانین و قواعد مالی و اقتصادی مربوط به بانک جهانی به عنوان پیش شرط کمک به دولت عراق و یا تحمیل و الزام دولت عراق برای اجرای یک کنوانسیون مشخص یا فروش نفت این کشور به شرکت‌های مشخص از نمونه‌های بارز این نوع نفوذ محسوب می‌گردد. (Keck and Sikkink, 1998) نمونه بارز دیگر از این مفهوم کلیه اقدامات نظامی آمریکا در عراق در مورد آموزش و تسلیح و کمک‌های نظامی به این کشور است. حضور و نفوذ نظامی

آمریکا از طریق تحمیل و انعقاد موافقت‌نامه‌های امنیتی مثال بارز دیگری از نفوذ اجبارآمیز در عراق محسوب می‌شود. بنابر کار ویژه دیپلماسی عمومی، این قسم از نفوذ، ذیل دیپلماسی عمومی ارزیابی نمی‌شود.

۲-۲- نفوذ نهادی (Institutional)

نفوذ نهادی، نوعی نفوذ غیرمستقیم توسط بازیگر (الف) برای ایجاد یا تغییر رفتار خاص در بازیگر (ب) است. باید توجه کرد اگر در این نوع نفوذ، یک نهاد مشخص به شکل کامل در اختیار بازیگر (الف) باشد، شیوه نفوذ به «نفوذ اجبارآمیز» تغییر خواهد کرد. آنچه در نفوذ نهادی مدنظر است استفاده از نهادهای بین‌المللی یا داخلی برای تأمین منافع یک بازیگر است. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی کارکردهای متعددی دارند و از جمله این کارکردها استفاده بازیگران عمده جهت تأمین منافعی است که می‌باشد. اگر بازیگری بتواند از قواعد، هنجارها، قوانین، عرف‌ها و مقررات یک سازمان جهت تأمین منافع خود در قبال سایر بازیگران استفاده نماید؛ نفوذ نهادی صورت پذیرفته است. اهمیت نهادهای بین‌المللی علاوه بر کارکردهای آن‌ها در ایجاد دستور کارهای جهانی و نیز ملزم کردن دولت‌ها به رعایت این دستور کارها می‌باشد. قدرت‌های بزرگ با توجه به نفوذ خود می‌توانند این دستور کارها را ایجاد و از آن‌ها برای تأمین منافع استفاده کنند. به عنوان مثال متعاقب اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، این کشور در تمامی سازمان‌های بین‌المللی مسئله مبارزه با تروریسم را با قرائت خود وارد نمود و این امر تبدیل به دستور کار جهانی گردیده و اقدامات دولت‌ها بر اساس این موازین و دستور کارها موردسنجش قرار گرفته است.

نکته دیگر آنکه منظور از نفوذ نهادی لزوماً نهادهای رسمی شناخته شده نیستند بلکه نهادهای غیررسمی یا ساختارهای غیرجهان شمول ولی قدرتمند می‌توانند ابزاری برای نفوذ بر رفتار بازیگران محسوب شوند. (Abbott and Snidal, 1998) به عنوان نمونه تلاش آمریکا برای تحمیل شرایط تحریمی علیه جمهوری اسلامی یا سایر کشورها نوعی نفوذ نهادی و استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی برای تأمین منافع محسوب می‌شود. اهرم‌های دولت‌هایی نظیر آمریکا برای استفاده از این نهادها و تأثیرگذاری بر محیط داخلی کشورها یا تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آن‌ها نفوذ نهادی است که عمدتاً به شکل غیرمستقیم و توسط نهادهای دیگر انجام می‌شود. ویژگی این نفوذ برخورداری از مشروعیت بیشتر اقدام دولت‌ها است چراکه این تصمیمات به شکل جمعی و از طریق یک سازمان مشخص بین‌المللی اتخاذ گردیده است. لذا اجرای این اقدامات می‌تواند به شکل آسان-

تری صورت پذیرد. امروزه قدرت‌های بزرگ از نفوذ نهادی برای پیشبرد طیف گسترده‌ای از اهداف خود استفاده می‌کنند.

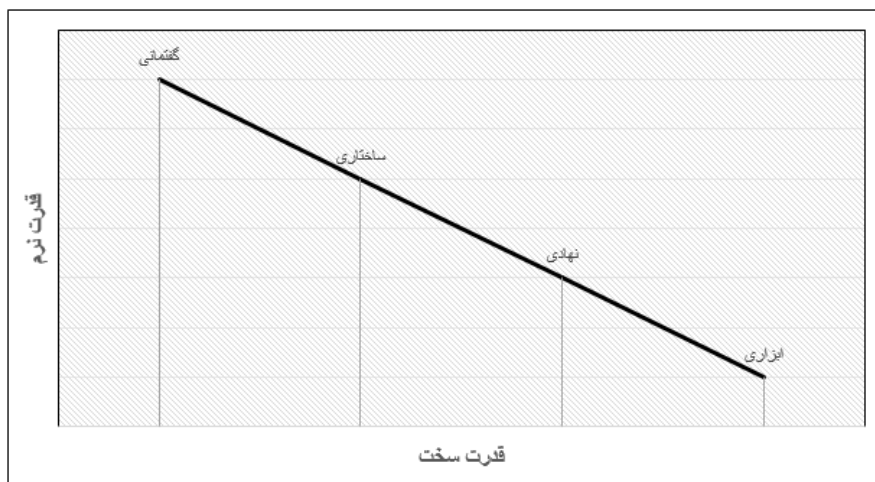
۲-۳- نفوذ ساختاری (Structural)

نفوذ ساختاری شکل سوم از نفوذ محسوب می‌شود که در آن، نفوذ به شکل مستقیم و در جهت تأثیرگذاری بر ساختارهای داخلی و مسائل اجتماعی کشور هدف انجام می‌شود. در این نوع نفوذ، هدف اصلی ایجاد تغییر در ساختار اجتماعی و جامعه کشور موردنظر به منظور تأمین اهداف و منافع یک دولت مشخص است. در نفوذ ساختاری، همه بخش‌های جامعه به یک اندازه موردتوجه نیستند، بلکه بخش‌ها، گروه‌ها یا طبقات مشخص در معرض اقدام قرار دارند؛ از این رو تمام انرژی و منابع موردنظر توسط بازیگری که قصد نفوذ و اثرگذاری دارد به شکل برابر توزیع نشده و بر اساس هدف-گذاری خاص اقدامات صورت می‌گیرد. آنچه در نفوذ ساختاری اهمیت دارد تلاش برای شکل دادن منافع اقشار مختلف جامعه هدف به منظور همراه سازی و درونی سازی اثرگذاری بر آن جامعه است. به عبارت روشن تر نفوذ ساختاری متضمن شکل دادن به منافع و رفتارهای بازیگران می‌باشد و در این راستا ایجاد هویت بخشی جدید و تعریف منافع آن گروه‌ها بر اساس خواسته‌ها و منافع دولت نفوذکننده کلیدواژه‌ای حیاتی محسوب می‌شود. (Steven Lukes, 1974, p 24).

۲-۴- نفوذ گفتمانی (Discursive)

نفوذ گفتمانی شکل چهارم نفوذ است که جنبه غیرمادی و درازمدت داشته و در صورت تحقق می‌تواند به شکل طولانی منافع کشور نفوذکننده را تأمین نماید، چراکه عمق اثرگذاری این نوع نفوذ بسیار گسترده بوده و تغییرات به شکل کاملاً درونی و ماهوی و به شکل نامحسوس در جامعه هدف صورت می‌پذیرد. نفوذ گفتمانی اشتراکاتی با نفوذ ساختاری دارد چراکه در هر دو مورد، بر روندهای اجتماعی توجه می‌شود و هر دو به نحوه شکل‌گیری هویت بازیگران و معانی اجتماعی توجه دارند. اما تفاوت این دو نوع نفوذ آن است که نفوذ ساختاری اثرگذاری مستقیم و عینی داشته و جامع هدف کاملاً روشن بوده و جنبه انضمامی دارد، حال آنکه نفوذ گفتمانی رویکردی کلان و گسترده‌تر با جامعه هدف بزرگ‌تر داشته و جنبه انتزاعی داشته و اهداف درازمدتی را تعقیب می‌کند. در نفوذ گفتمانی توجه به معانی (Meaning) و شبکه نیروهای اجتماعی و تأثیر و تأثرات متقابل آن‌ها موردتوجه قرار می‌گیرد و نوعی نگاه فراساختاری دارد. در این نوع نفوذ هویت اجتماعی در میان مدت و درازمدت شکل گرفته و معنا می‌یابد و به ذهنیت‌ها و توان اقدام عملی آن‌ها توجه می‌شود

(Macdonell, 1986). این نوع نفوذ کارکرد فراوان داشته و از ابزارهای مختلف قدرت و به نحو مشخص قدرت نرم به شکل گسترده در آن استفاده می‌شود. چنانکه ذکر شد نفوذ گفتمانی زمان‌بر ولی با آثار درازمدت و مانا بوده و می‌تواند به مدت طولانی منافع یک کشور را از طریق بهره‌گیری از ابزارهای کسب قدرت تأمین نماید. در شکل شماره (۱)، ارتباط نفوذ گفتمانی و سایر گونه‌های نفوذ با انواع قدرت نشان داده شده است.



شکل شماره (۱): ارتباط گونه‌های نفوذ با انواع قدرت

از میان اقسام چهارگانه نفوذ در روابط بین‌الملل، نگاشته حاضر به دنبال تحلیل نفوذ گفتمانی ایالات متحده بر جوامع هدف به ویژه ایران اسلامی است و این رهگذر به بررسی ابزارهای این نوع از نفوذ در دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا می‌پردازد.

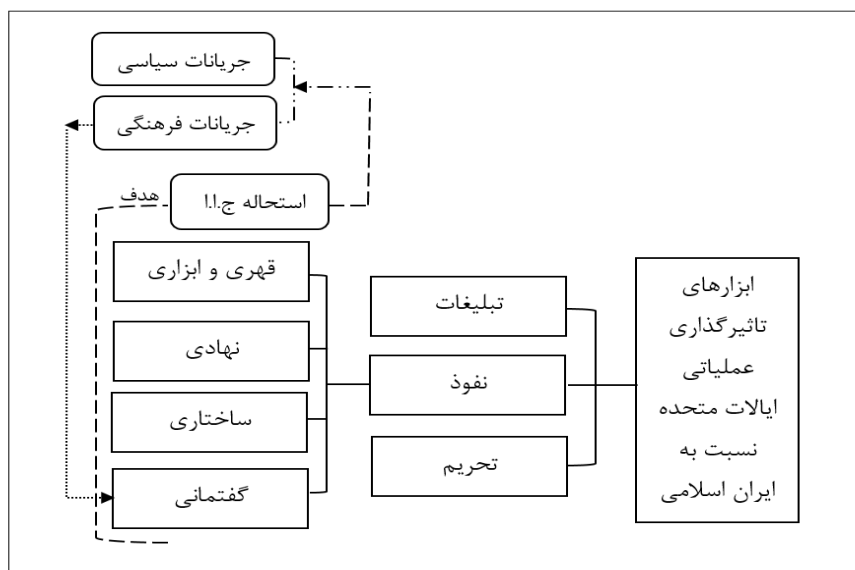
۳- دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا ناظر به نفوذ گفتمانی در جمهوری

اسلامی ایران

با وقوع انقلاب اسلامی و بروز تعارضات ایدئولوژیک و استراتژیک میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای غربی و در سطح جهانی، ایالات متحده به استفاده از ابزارهایی جهت تاثیرگذاری عملیاتی بر سطح نفوذ گفتمانی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی پرداخت و سه راهبرد اصلی تبلیغات، تحریم و نفوذ را برای مقابله با گسترش امواج تفکراتی و عمق

راهبردی ایران اسلامی اتخاذ کرد. در حوزه نفوذ نیز ضمن در دستور کار قرار دادن گونه‌های چهار گانه آن، با تاکید ویژه بر نفوذ گفتمانی، هدف اصلی برنامه نفوذ را که از منظر رهبر معظم انقلاب، استحاله جمهوری اسلامی است را در پیش گرفت. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «جنگ نرم فقط مخصوص ایران نیست اما در موضوع ایران، هدف اصلی از این جنگ نرم فکرشده و حساب شده، استحاله‌ی جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است ... در چارچوب اهداف جنگ نرم دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین‌کننده‌ی اهداف آمریکا، صهیونیسم و شبکه‌ی قدرت جهانی باشد» (بیانات در ۱۳۹۴/۷/۲۰).

از منظر رهبری انقلاب، فرایند استحاله جمهوری اسلامی ضمن طراحی و پیاده‌سازی جریان‌های فرهنگی و سیاسی توسط ایالات متحده و هم پیمانانش راهبری می‌شود، به نحوی که می‌توان نفوذ گفتمانی غرب را در ارتباط تنگاتنگ با جریانات فرهنگی پروژه استحاله انقلاب اسلامی تعریف کرد. ایشان در این باره می‌افزایند: «استحاله هم دو جریان دارد: یک جریان فرهنگی، یک جریان سیاسی؛ ملت ایران متوجه باشد. قصد نظام استکباری امریکا و صهیونیست‌هایی که دستشان در دست آنهاست و با هم در یک جبهه هستند، این است که بتوانند ملت را نسبت به آرمانها و عقاید و هدفهای بی-تفاوت و بی‌اعتنا کنند و بعد بتوانند به وسیله‌ی عوامل و مزدوران خود زمینه را برای بازگشت سیطره-ی امریکا بر ایران فراهم نمایند. در جریان سیاسی، عمده‌ی نقشه‌ی اینها ایجاد اختلاف و کوبیده شدن جناحهای گوناگون به دست یکدیگر است؛ جناحهایی که همه برخاسته از انقلاب و وابسته به آن هستند - اینها آن‌ها را بکوبند، آن‌ها این‌ها را بکوبند - اصول و خطوط اصلی نقشه‌ی امریکا در منطقه این است» (بیانات در ۱۳۸۲/۸/۲۳).



شکل (۲): نمودار ابزارهای تاثیر گذاری آمریکا بر ایران با تاکید بر نفوذ گفتمانی

نفوذ گفتمانی که به دنبال ماهیت زدایی بلند مدت از بعد نرم افزاری و سخت افزاری نظام و انقلاب است، مردم به ویژه نخبگان، دانشگاهیان، دانشجویان، جوانان و عناصر فعال را در کانون توجه قرار داده (بیانات در ۹۴/۷/۲۰) و از طریق تخریب هویت‌های بومی موجود و ایجاد و القاء هویت‌های جدید غربی در نظام معنایی و گفتمانی باز تولید شده، به دنبال تغییر در قواعد، ارزش‌ها، باورها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی می‌باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، ضمن تبیین نفوذ جریانی، درباره اهداف و کارویژه‌های نفوذ ایالات متحده در ایران اسلامی می‌فرماید: «نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت ... افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند - البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد - همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه‌ی سیا

تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است...» (بیانات در ۱۳۹۴/۹/۴)

این بعد از نفوذ که شکل درازمدت و عمیق نفوذ یک کشور در جامعه هدف خودش است، در دیپلماسی عمومی ایالات متحده نسبت به جوامع هدف به ویژه جمهوری اسلامی ایران، مابه‌ازای بیرونی یافته و برنامه‌هایی در چارچوب آن تعریف شده‌اند. برنامه‌هایی نظیر برنامه تبادلات فرهنگی و آموزشی متناسب با سطح روابط ایران و ایالات متحده آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر مورد بهره‌برداری طرفینی قرار می‌گیرد و لکن برنامه‌های دیگر که ارتباط کمتری با سطح روابط دیپلماتیک و ارتباطات فرهنگی مستقیم دارد در دستور کار دیپلماسی عمومی ایالات متحده نسبت به ایران قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها در تقسیم‌بندی دو گانه رسانه‌ای و علمی عبارتند از:

۳-۱- برنامه‌های پخش رادیو و تلویزیونی بین‌المللی و اینترنتی

آژانس اطلاعات آمریکا وظیفه جهت‌دهی به تمامی رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی ایالات متحده آمریکا را بر عهده دارد. شبکه‌هایی که تحت نظارت شورا قرار دارند عبارت‌اند از: صدای آمریکا، رادیو اروپای آزاد، رادیو آسیای آزاد، رادیو سوا، رادیو و تلویزیون مارتی و رادیو الحره. بسیاری از این رادیوها دارای سایت اینترنتی بر روی شبکه جهانی اینترنت بوده و اخبار و اطلاعات آن‌ها از این طریق نیز قابل دسترسی است. اگر چه میزان دقیق و تعداد مخاطبان و شنوندگان این رادیوها، اطلاعات موثقی در دسترس نیست، اما با بررسی محتوای برنامه‌های این رادیوها می‌توان گفت که بخش اعظم اطلاعات منتشره در آن‌ها با هدف جهت‌دهی به افکار عمومی ایران، مطابق خواست گردانندگان آن‌ها یعنی کشورهای غربی و در راس آن‌ها آمریکا می‌باشد (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۹۵ - ۸۲).

یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا، شبکه آی. تی.سی (ITC) است. راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای یکی دیگر از روش‌های مهم جنگ رسانه‌ای است. شبکه آی. تی.سی اولین شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته ایرانی در ارتباط با تکنولوژی اطلاعات است. مرکز این شبکه در لس آنجلس است و بر اساس وب سایت خود این شبکه، در حال حاضر حدود ۵۳ میلیون مخاطب فارسی زبان دارد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

۳-۲- بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ابعاد نفوذ گفتمانی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی عملیاتی گردیده است. این مساله به ویژه در چارچوب سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا پس از تحولات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران به منظور ایجاد ارتباط با جامعه ایرانی و با رویکرد تغییر از درون سازماندهی می‌شود. بر این اساس، بر خلاف گذشته که آمریکا تنها از رسانه‌های سنتی مانند ایستگاه‌های رادیویی بین‌المللی و یا خبرگزاری‌ها برای ایجاد ارتباط با جامعه ایران و مداخله در امور داخلی ایران استفاده می‌کرد، این کشور استفاده از رسانه‌های اجتماعی جدید مانند توئیتر، فیس‌بوک، تلگرام و فیلکر را با صرف هزینه‌های بسیاری به عنوان واسطه‌ها و پلت فرم‌های انتشار اطلاعات و سازماندهی اعتراضات و آشوب‌ها در دستور کار خود قرار داده است (Xiguage & Jing, 2010: 7). علاوه بر این، هزینه‌های بسیاری نیز برای دستیابی آسان به شبکه‌های اجتماعی و شکستن فیلتر شبکه‌های اینترنتی تخصیص داده شد و ارتش آمریکا نیز برای همکاری با سایت‌هایی مانند توئیتر و فیس‌بوک اقدام به ساخت برنامه‌ای نمود که قادر به ساخت هویت‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی است (گوهری مقدم و جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۲۵ - ۲۴). رهبری انقلاب این نقشه طراحی شده را ضمن بیاناتی در باب نقشه دشمن برای جوانان ایرانی در فضای مجازی، این گونه ترسیم می‌کنند: «دشمنان در فضای مجازی و رسانه‌ها میلیاردها خرج می‌کنند برای اینکه بتوانند از جوان ایرانی اخلاق، ایمان، پابندی به شریعت و حیا را بگیرند؛ چرا؟ چون مایه اقتدار کشور است. با جوان مومن متشرع با حیای با ایمان که در مقابل این وسایل شهوت‌انگیز نمی‌لغزد، دشمنند» (بیانات در ۱۳۹۶/۲/۲۰).

۳-۳- بهره‌گیری از صنعت فیلم‌سازی هالیوود

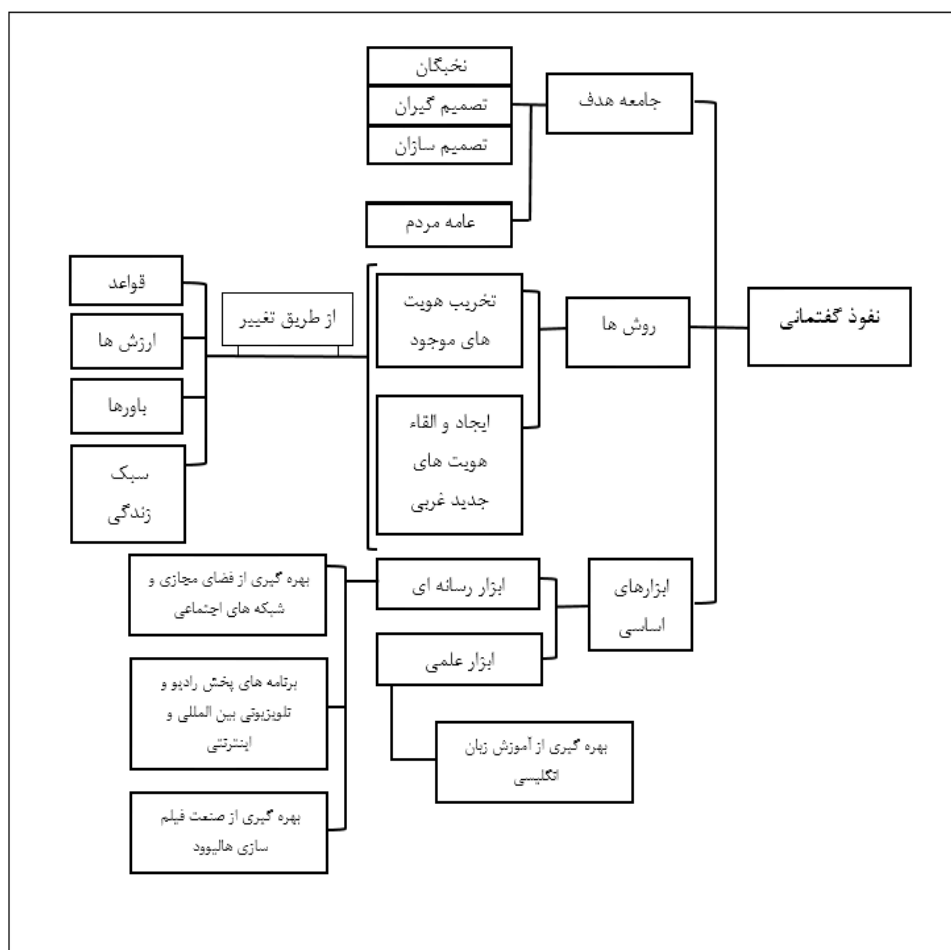
صنعت سینما و فیلم‌سازی آمریکا (هالیوود) یکی از بازیگران کلیدی ایالات متحده در پیاده‌سازی برنامه نفوذ علیه جمهوری اسلامی ایران است. این صنعت با بهره‌گیری از روش‌های فرازمانی، کنترل ذهن‌ها و قلب‌ها و تزریق هیجان‌ات کاذب در ضمیر ناخودآگاه افراد، با بسط کردن پایه‌های بینشی و اعتقادی مخاطبان، فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی را به منظومه گرایش و کنش جامعه هدف خود القا می‌کند و برنامه جایگزین‌سازی فرهنگی را مبتنی بر نگاه گفتمانی پیاده‌سازی می‌نماید. در واقع، هالیوود ابزار توانمند ایالات متحده در جنگ رسانه‌ای علیه مخالفان سیطره هژمونیک آمریکا می‌باشد که در صدر آن‌ها تفکرات اسلام محورانه جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. بر این

مبنا و به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، پروژه ایران هراسی و تخریب وجهه جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران با القای تصویری خشن و متصلب از ایران و اسلام، بیشتر از پیش در دستور کار صنعت فیلم‌سازی هالیوود قرار می‌گیرد. فیلم بدون دخترم هرگز (۱۹۹۱)، فیلم ۳۰۰ (۲۰۰۶)، سنگسار ثریا (۲۰۰۸)، زنان بدون مردان (۲۰۰۹)، سیرینا و فیلم آرگو (۲۰۱۲) از جمله فیلم‌هایی هستند که تصویری جهت‌دار از ایران اسلامی را به نمایش می‌گذارند و سعی بلیغی در سیاه‌نمایی اوضاع سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی دارند.

۳-۴- بهره‌گیری از آموزش زبان انگلیسی

زبان به مثابه یک عرصه طبیعی گسترده است که بسیاری از آن بهره می‌برند و حاوی منافعی مشترک است. می‌توان از این طریق با قشرهای مهمی از توده مردم بیگانه ارتباط برقرار کرد. در عرصه انتقال اطلاعات و ایجاد تغییر در موضع‌گیری‌ها و رویکردها کمتر وسیله دیگری جز زبان می‌یابیم که دارای چنین کارایی باشد (جرجیان، ۱۳۸۴، ۸۸). با توجه به این مسئله، آژانس اطلاعات آمریکا برای گسترش آموزش و یادگیری زبان انگلیسی اقداماتی را نظیر تولید و توزیع مواد آموزشی و انتشارات مجلات حرفه‌ای مختلف دنبال می‌کند. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه به صورت مستقیم بستر پیاده‌سازی برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی به دلیل قطع ارتباطات دیپلماتیک دو کشور فراهم نیست ولی گسترش روزافزون تمایل اجتماعی به یادگیری زبان انگلیسی، آن هم از طریق بسته‌های آموزش زبان تولید شده بر مبنای فرهنگ غربی، فرصت مناسبی را برای اثرگذاری سبک زندگی غربی در گروه‌های هدف خصوصاً کودکان و نوجوانان فراهم آورده است. به عبارت دیگر، اگرچه آموزش زبان باعث توسعه ارتباطات فرهنگی و اجتماعی میان جوامع مختلف می‌شود، اما می‌تواند به عنوان وسیله‌ای در جهت بسترسازی برای نفوذ افکار و اندیشه‌های غربی بر کشورهای مسلمانی همچون ایران محسوب شود. دولت‌های غربی به ویژه آمریکا با استفاده از آموزش زبان انگلیسی تلاش می‌کنند تا هنجارهای فرهنگ خود را به کشورهای دیگر صادر کرده و با تضعیف ارزش‌ها و موازین ملی و دینی آن‌ها این کشورها را هرچه بیشتر از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به خود وابسته کنند و در واقع تحت سلطه خود درآورند (Shin, H. & Kubota, R, 2008). رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «همه‌ی کتاب‌های آموزش که خیلی هم با شیوه‌های جدید و خوبی این کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل کننده‌ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه‌ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این را می‌خواند، فقط

زبان یاد نمی‌گیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آن چه بیشتر در او اثر می‌گذارد آن تأثیر و انطباعی [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به وجود می‌آید؛ این از بین نمی‌رود» (۱۳۹۲/۹/۱۹).



شکل (۳): نمودار تبیین ماهیت و اجزاء نفوذ گفتمانی

نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی در فضای پیچیده‌ی سیاست بین‌الملل به مثابه ابزاری توانا راهگشای کنشگرانی است که بتوانند راهبرد نفوذ و تأثیرگذاری در جامعه‌ی هدف خود را به خوبی مدیریت کنند و سامان

بخشند. وصول به این مهم از مجرای شناخت و کاربست هوشمندانه‌ی ابزارهای نفوذ متناسب با نیازهای جوامع هدف و اقتضائات روز ساحت بین المللی، میسر است. قدرت‌های خارجی از دیرباز چه در دوران استعمار مستقیم و چه در عصر استعمار فرا نو، استفاده از این ابزارها را در دستور کار خود قرار داده و توجه بنیادین نسبت به اثرگذاری تعامل محور را در نظام اولویت‌های خود جای داده‌اند. با عنایت به این مهم، مقاله حاضر، برنامه‌های طراحی شده در منظومه دیپلماسی عمومی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را به بوته‌ی تبیین کشانید تا از این طریق رابطه‌ی میان این برنامه‌ها با گونه‌ی نفوذ گفتمانی اعمالی توسط ایالات متحده آمریکا تشریح گردد و نشان داده شود که آمریکا چگونه از دیپلماسی عمومی به مثابه ابزاری برای نفوذ گذاری بر ایران اسلامی بهره می‌برد. در واقع، در راستای پاسخ به سؤال اصلی مقاله، نشان داده شد که از مجرای سیر تبیین دیپلماسی عمومی و اعمال نفوذ میان واحدی در گستره‌ی گونه‌شناسی نفوذ، دیپلماسی عمومی آمریکا ذیل چه برنامه‌هایی، نفوذ گفتمانی را پیاده‌سازی می‌کند. در این حوزه، نفوذ قهری، تخصصاً به دلیل ماهیت سخت خود از دایره دیپلماسی عمومی خارج است و نفوذ نهادی نیز با کمک دیگر برنامه‌های دیپلماسی عمومی سازمان می‌یابد. در گونه‌ی نفوذ ساختاری، نفوذ به شکل مستقیم و در جهت تأثیرگذاری بر ساختارهای داخلی و مسائل اجتماعی کشور هدف انجام می‌شود. نفوذ گفتمانی نیز شکلی از نفوذ است که جنبه غیرمادی و درازمدت داشته و در صورت تحقق می‌تواند به شکل طولانی منافع کشور نفوذکننده را از طریق ایجاد هویت‌های جدید غربی تأمین نماید. با هدف تحقق نفوذ گفتمانی نیز متصدیان دیپلماسی عمومی آمریکا، برنامه‌ها و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، برنامه‌هایی اساسی نظیر پخش رادیو و تلویزیونی بین المللی و اینترنتی، بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، برنامه آموزش زبان انگلیسی و بهره‌گیری از صنعت فیلم‌سازی هالیوود را تدارک دیده‌اند. تمامی این برنامه‌ها در نگاه ماهوی به منزله‌ی برنامه‌هایی هستند که به‌سان ابزارهای قدرت نرم بر مخاطبان خود اثر می‌گذارد و آن‌ها را به صورت مستقیم و غیرمستقیم متقاعد می‌کند که جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود را به نحوی ترتیب دهند که حداکثر میزان منافع قدرت‌ها تأمین گردد.

کتابشناسی

منابع فارسی

۱. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست

- «خارجی»، در: آمریکا شماره ۶ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا. تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، ص ۱۷.
۲. الوانی، مهدی (۱۳۸۶)، **مدیریت عمومی**، تهران، نشر نی، چاپ سی و یکم.
۳. پالمر، مونتی و اشترن، لاری و گایل، چارلز (۱۳۶۷)، **نگرشی جدید به علم سیاست**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۴. جرجیان، ادوارد (۱۳۸۴)، **تغییر ذهنیت‌ها. پیروی از طریق صلح**، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۵. ضیائی پرور، حمید (۱۳۸۳)، **بررسی عملکرد خبرنگاران همراه در جنگ آمریکا - عراق به عنوان رسانه**.
- عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۲)، **دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه**، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام
۷. گوهری مقدم، ابوذر و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، **جایگاه سیاست‌های حمایت‌گرایانه آمریکا در جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ایران**، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳: ۲۸-۱.
۸. مطهر نیا، مهدی (۱۳۷۸)، **تبیینی نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۹. هالستی، کی.جی (۱۳۷۳)، **ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.

منابع لاتین

10. Abbott, Kenneth and Duncan Snidal. (1998). "Why States Act Through Formal International Organizations," *Journal of Conflict Resolution* 42(1).
11. Comprehensive Annual on Public Diplomacy and International Broadcasting (2016)
12. Dahl, Robert.(1957). "The Concept of Power," Department of Political Science, Yale University.
13. Gilboa, Eytan .(2001). *Diplomacy in the Media Age: Three Models of Uses and Effects*. *Diplomacy & Statecraft* 12 (2).
14. Keck, M., & Sikkink, K. (1998). *Activists beyond Borders: Advocacy Networks*

- in International Politics*. Cornell University Press. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/10.7591/j.ctt5hh13f>.
15. Li Xiguage & Wang Jing (2010), "*Web Based Public Diplomacy: The Rule of Social Media in the Iranian and Xinjiang Riots*", *Journal of International Communication*, Vol.16:1.
 16. Lukes, Steven. (1974). *Power: A Radical View*. Houndmills: Macmillan Education.
 17. Macdonell, Diane. (1984). *Theories of Discourse: An Introduction*. Boston: Blackwell.
 18. Merriam Webster. (2003). *Merriam Webster's Collegiate Dictionary*, United States of America, by Merriam Webster, 11ed.
 19. Nicholson, Harold. (1988). *Diplomacy*. Washington: Institute for the Study of Diplomacy, Georgetown University.
 20. Olson, William C. (1991). *The Theory and Practice of International Relations*. New Jersey: Prentice Hall.
 21. Peter van ham. (2003). "war, lies, and videotape: public diplomacy and the United States" war on terrorism," *security dialogue* 34, no.4
 22. Shin, H. and Kubota, R. (2008). *Post-Colonialism and Globalization in Language Education*, in *The Handbook of Educational Linguistics* (eds B. Spolsky and F. M. Hult), Blackwell Publishing Ltd, Oxford, UK. doi: 10.1002/9780470694138.ch15.
 23. William H Riker; foreword by rhoten A. smith. (1954). *The study of local politics*. New York: Random House.

